

Autumn and Winter 2025, 2 (4), 92-106.

Explanation of the narrative of Shahrivar 1320 and the change of monarchy in the Tajaddod-e Iran newspaper

Atena Arabestani¹  | Alireza Akbari²  | Esmail Changizi³ 

1. Corresponding Author, Master's student in History of the Islamic Revolution, Kharazmi University, TEHRAN, IRAN. E-mail: atenaarab221@gmail.com
2. Master of Arts in History of the Islamic Revolution, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, TEHRAN, IRAN. E-mail: alirezaakbari80khu@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of History, Kharazmi University, TEHRAN, IRAN. E-mail: esmaeil.changizi@khu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research	World War II was one of the most influential wars in world history. In the first two years of the war, Iran was spared from its direct consequences by declaring neutrality; however, with the expansion of Iran-Germany relations, this policy was violated and the country was practically drawn into the Second World War. Despite extensive censorship during the Reza Shah era, the press played an important role in reflecting developments in Iran and the world. The Tajad Iran newspaper is one of the newspapers of this period that reflects the social and political conditions of that era and reveals the government's positions towards the Allied forces. This research, using the descriptive-analytical method and examining the content of the Tajad Iran newspaper, seeks to explain the military and diplomatic actions of the Allies in Iran and to clarify the dimensions of this war at the same time as Reza Shah's exile. The findings of the article show that the Tajad Iran newspaper in Shahrivar 1320, in addition to representing the political situation of the country before and after the entry of the Allies into Iranian territory, provides valuable reports on the sessions of the parliament and analysis of the situation in Iran in the speeches of representatives. A review of issues of this newspaper reveals the various dimensions of the war and its impact on Iranian politics.
Article history: Received: 31 May 2025 Accepted: 7 August 2025 Published online: 6 March 2026	
Keywords: Reza Shah, Allies, World War II, Tajaddod-e Iran Newspaper, Change of Monarchy.	

Cite this article: Arabestani, Atena, Akbari, Alireza, Changizi, Esmail. Second. (2025). Explanation of the narrative of Shahrivar 1320 and the change of monarchy in the Tajaddod-e Iran newspaper. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 2 (4), 92-106.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2026.2087146.1082>

سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ۹۲-۱۰۶.

تبیین روایت شهریور ۱۳۲۰ و تغییر سلطنت در روزنامه تجدد ایران

آتنا عربستانی^۱ | علیرضا اکبری^۲ | اسماعیل چنگیزی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: atenaarab221@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: alirezaakbari80khu@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: esmaeil.changizi@khu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: ترویجی</p> <p>تاریخ دریافت:</p> <p>۱۴۰۴/۰۳/۱۰</p> <p>پذیرش نهایی:</p> <p>۱۴۰۴/۰۵/۱۶</p> <p>تاریخ انتشار:</p> <p>۱۴۰۴/۱۲/۱۵</p>	<p>جنگ جهانی دوم از مهم‌ترین جنگ‌های تأثیرگذار در تاریخ جهان بود. ایران در دو سال نخست جنگ با اعلام بی‌طرفی از پیامدهای مستقیم آن در امان ماند؛ اما با گسترش روابط ایران و آلمان، این سیاست نقض شد و کشور عملاً به عرصه جنگ جهانی دوم کشیده شد. با وجود سانسور گسترده در دوره رضاشاه، مطبوعات نقشی مهم در بازتاب تحولات ایران و جهان داشتند. روزنامه <i>تجدد/ایران</i> یکی از مطبوعات این دوره است که به بازتاب اوضاع اجتماعی و سیاسی آن دوران پرداخته و مواضع دولت را در قبال نیروهای متحدین و متفقین آشکار می‌سازد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و بررسی محتوای روزنامه <i>تجدد/ایران</i>، در پی آن است که اقدامات نظامی و دیپلماتیک متفقین در ایران را مورد تبیین قرار دهد و ابعاد این جنگ را همزمان با تبعید رضاشاه روشن سازد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد روزنامه <i>تجدد/ایران</i> در شهریور ۱۳۲۰، ضمن بازنمایی اوضاع سیاسی کشور قبل و بعد از ورود متفقین به خاک ایران، گزارش‌های ارزشمندی درباره جلسات مجلس و تحلیل وضعیت ایران در سخنرانی‌های نمایندگان ارائه می‌کند. بررسی شماره‌های این روزنامه نشان دهنده ابعاد گوناگون جنگ و تأثیر آن بر سیاست ایران می‌باشد.</p>
<p style="text-align: right;">کلیدواژه‌ها:</p> <p>رضاشاه، متفقین، جنگ جهانی دوم، روزنامه تجدد ایران، تغییر سلطنت.</p>	

استناد: عربستانی، آتنا، اکبری، علیرضا، چنگیزی، اسماعیل (۱۴۰۴). تبیین روایت شهریور ۱۳۲۰ و تغییر سلطنت در روزنامه تجدد ایران. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال دوم، شماره ۲ (۴)، ۹۲-۱۰۶.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

۱. مقدمه

ایران و آلمان در تاریخ معاصر دارای همکاری‌های گسترده‌ای، به‌ویژه در حوزه بازرگانی بوده‌اند. پیشینه این روابط به دوره ناصرالدین‌شاه قاجار بازمی‌گردد؛ دورانی که با افزایش دخالت‌های روسیه و انگلیس در امور داخلی ایران، تمایل کشور به برقراری رابطه با آلمان شدت یافت (رحمانیان، ۱۴۰۳: ۳۲۴). با این حال، این رابطه در طول تاریخ با فراز و فرودهایی همراه بود. چنان‌که در سال ۱۸۸۳م، زمانی که ایران برای تشکیل ارتش نوین از آلمان درخواست کمک کرد، این کشور توجه چندانی نشان نداد (رفیع و عباس‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳۰).

در دوره رضاشاه، روابط دو کشور بار دیگر گسترش یافت و حضور آلمانی‌ها نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت ایران در جنگ جهانی دوم ایفا کرد. در این دوره نفوذ فزاینده آلمان در حوزه‌های صنعتی و آموزشی مشهود بود و کارشناسان آلمانی در پروژه‌های مختلف زیرساختی ایران مشارکت داشتند (استوارت، ۱۳۷۰: ۸۷). چنین همکاری‌هایی موجب شد متفقین، ایران را کشوری با تمایلات آلمانی تصور کنند؛ در نتیجه، زمینه برای تجاوز به خاک ایران فراهم شد. در این شرایط، در عرصه تجارت خارجی، انگلیس توفیق چندانی در ایران نداشت؛ اما آلمان با تأسیس کارخانه‌ها و کسب امتیازات متعدد، روابط اقتصادی خود را با ایران تقویت کرد. این روند ضمن تقویت صنایع داخلی و ایجاد تغییراتی در ساختار اقتصادی کشور، نگرانی‌های سیاسی متفقین را نیز برانگیخت (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۸؛ جامی، ۱۴۰۲: ۸۳).

نکته قابل توجه آن است که روابط ایران و آلمان ماهیتی یک‌سویه داشت و آلمان بیشتر در پی بهره‌گیری از موقعیت استراتژیک ایران بود. به همین دلیل، با گسترش دامنه جنگ، روسیه و انگلیس چندین اولتیماتوم برای اخراج آلمانی‌های مقیم ایران به دولت تهران تسلیم کردند. واکنش اولیه ایران،

سیاست وقت‌کشی و تعلل بود، اما پس از اشغال کشور، دولت ناگزیر به پذیرش کامل خواسته‌های آنان شد. اشغال ایران توسط متفقین پیامدهای گسترده اجتماعی و سیاسی به همراه داشت و قتل، غارت، تجاوز و مصادره اموال، از نتایج اصلی آن به‌شمار می‌رفت. علاوه بر این، اهمیت نفت ایران و نیز موقعیت استراتژیک راه‌آهن سراسری، از عوامل مهم حضور متفقین در کشور بود؛ بنابراین نمی‌توان تنها حضور آلمانی‌ها را عامل حمله دانست (محمدی و اسکندری‌فرد، ۱۳۹۶: ۱۰۸-۱۰۹؛ آبتون، ۱۳۶۱: ۱۰۴).

مطبوعات که در دوران قاجار پدیده‌ای نوظهور محسوب می‌شد، نقشی مؤثر در دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی ایفا کرد. روزنامه کاغذ اخبار که نخستین روزنامه ایران به‌شمار می‌رود، طی کوشش میرزا صالح شیرازی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۲۱۶ به چاپ رسید (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱/۲). به مرور زمان و با اقدامات امیرکبیر و دیگر روشنفکران، انتشار روزنامه رونق یافت. جراید در آن زمان به عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های انتقال اخبار، واکنش‌های گوناگونی به اتفاقات شهریورماه ۱۳۲۰ نشان دادند. روزنامه تجدد ایران یکی از این جراید بود. با توجه به وابستگی این روزنامه به دولت وقت و اعمال سانسور در دوره پهلوی اول، به نظر می‌رسد تجدد ایران به عنوان رسانه‌ای در اختیار دولت عمل کرده و از انتقاد نسبت به حکومت یا حضور پردردسر آلمان در ایران خودداری نموده است. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که اشغال ایران چه بازتابی در روزنامه تجدد داشت؟ در کنار این پرسش اصلی، سؤالات فرعی ذیل مطرح می‌شود:

۱. روزنامه تجدد ایران چگونه روابط ایران و آلمان را بازنمایی کرده است؟

۲. تجدد ایران، مذاکرات در مجلس را به نفع دولت منعکس می‌کرد یا بدون سانسور به ذکر مذاکرات و مکاتبات مجلس پرداخته است؟

۳. روزنامه تجدد ایران چگونه مسئله دفاع از خاک و تمامیت ارضی کشور را در مواجهه با اشغال متفقین تفسیر کرده است؟

با وجود سانسور گسترده مطبوعات در این دوره و کمبود آرشیوهای روزنامه‌ای، این پژوهش در پی ارائه تحلیلی جامع از گزارش‌های روزنامه تجدد ایران است. همچنین این مطالعه بر اهمیت بازخوانی منابع مطبوعاتی برای درک دقیق‌تر وضعیت سیاسی ایران در دهه ۲۰ تأکید دارد. امید است نتایج این پژوهش، گامی مؤثر در مطالعات آتی پیرامون بازنمایی جنگ جهانی دوم در مطبوعات ایران باشد.

اگرچه پژوهش‌های پراکنده‌ای در خصوص اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم صورت گرفته است، اما تاکنون مطالعه‌ای مستقل که این رویداد را از منظر اسناد مطبوعاتی، به‌ویژه روزنامه‌ای دولتی، مورد بررسی قرار دهد، انجام نشده است. درباره نقش مطبوعات در این برهه از تاریخ ایران تنها می‌توان به پژوهش علی صوفی و شرفی صفا (۱۴۰۳) در «مؤلفه‌های موثر بر سرشت و سرنوشت مطبوعات ایران در دوران جنگ جهانی دوم» اشاره کرد که تنها بر ویژگی کلی مطبوعات این دوره توجه کرده و گفتمان سیاسی مبتنی بر جنگ را به‌صورت تخصصی بررسی نکرده است. مقاله «بررسی روابط ایران و آلمان از آغاز دوره پهلوی تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴-۱۳۰۴)» نوشته رفیع و عباس‌زاده مرزبالی (۱۳۹۷)، عمدتاً بر ابعاد بازرگانی روابط ایران و آلمان در دوره رضاشاه تمرکز دارد و سایر جنبه‌های این موضوع را کمتر مورد توجه قرار داده است. احمدی و صادقی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران (با تأکید بر نقش انگلیس)»، تنها با

تکیه بر اسناد، به تحلیل حضور متفقین و واکنش مقامات ایرانی اکتفا کرده است. برهانی (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی مستند مداخلات انگلیس در امور داخلی ایران (-۱۳۲۰ ۱۳۲۴)»، صرفاً به مقایسه نقش آلمان و انگلیس در عرصه بازرگانی پرداخته است و ابعاد چندگانه نقش آلمان در ایران به‌طور عمیق واکاوی نشده است. بررسی پیشینه پژوهش‌ها حاکی از آن است که به دلیل عدم دسترسی پژوهشگران به آرشیو روزنامه‌ها و همچنین سانسور و نظارت‌های حاکم بر مطبوعات، نقش این رسانه در رویدادهای مهمی مانند جنگ جهانی دوم نادیده گرفته شده است. بنابراین خلأ پژوهشی قابل توجهی در خصوص تحلیل اشغال ایران بر اساس گزارش‌های مطبوعات دولتی از جمله روزنامه تجدد ایران وجود دارد.

۲. روابط ایران و آلمان پیش از جنگ جهانی دوم

درباره تأکید ایران در باب عدم مداخله در جنگ جهانی می‌توان به مراسم افتتاح مجلس دوازدهم استناد نمود که محمود جم، نخست‌وزیر وقت، طی بیانیه‌ای بر بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی دوم تأکید کرد. با این حال، انتصاب احمد متین‌دفتری که به گرایش‌های آلمانی شهرت داشت، همزمان با حمله آلمان به شوروی، تردیدهایی جدی نسبت به پایبندی ایران به این بی‌طرفی ایجاد کرد (احمدی و صادقی، ۱۳۹۲: ۳-۲). در اوایل سال ۱۳۲۰ وزارت خارجه آمریکا با ارسال تلگرافی، خواستار بررسی سفارت آلمان و حضور مشکوک اتباع این کشور در تهران شد. این نگرانی با تأکید بر حضور آنچه «ستون پنجم نازی‌ها» در ایران نامیده می‌شد، افزایش یافت، زیرا ارتش ایران را در کنترل فعالیت‌های آنان ناتوان تلقی می‌کردند (مکی، ۱۳۶۳: ۵۳/۷-۵۲). ادامه حضور ستون پنجم موجب شد انگلیس و روسیه، ایران را ناقض اصل بی‌طرفی بدانند (رحمانیان، ۱۴۰۳: ۳۴۰). روسیه و انگلیس از سال ۱۳۱۶ نسبت به

فعالیت‌های آلمان در ایران بدبین بودند. متعاقب این بدبینی، روسیه نسبت به حضور اتباع آلمان در امور فنی ایالات شمالی ایران اعتراض کرد و انگلیس از حضور آلمانی‌ها در نقاط مختلف ایران و توقف برخی از اتباع خود در این مناطق ابراز نارضایتی نمود. حضور افسران آلمانی در ایران، به رغم ادعای بی‌طرفی از سوی دولت ایران، برای هر دو قدرت انگلیس و روسیه ابهام‌برانگیز بود (عباسی و طیرانی، ۱۳۷۱: ۳-۱؛ مقصودی، ۱۴۰۰: ۲۵).

در پنجم مرداد ۱۳۲۰، ریدر بولارد^۱ وزیر مختار انگلیس، به همراه نماینده روسیه، خواستار توقف فعالیت‌های آلمان در ایران شدند (خامه‌ای، ۱۳۷۸: ۱۶). با وجود اظهارهای مکرر متفقین، دولت ایران همواره در مطبوعات مختلف، از جمله روزنامه‌های جمهوریت و آغشام، بر حفظ آزادی و استقلال خود در جنگ و پایبندی به بی‌طرفی تأکید می‌کرد. در این مقطع، متفقین در صدد بودند تا حملات آتی خود را به نحوی توجیه نمایند (خان‌ملک، ۱۳۲۴: ۳۰-۲۹). از تیر همان سال، زمزمه‌هایی مبنی بر احتمال اشغال ایران به گوش می‌رسید و مطبوعات بین‌المللی در آگوست همان سال، وضعیت ایران را وخیم گزارش کردند. روزنامه‌هایی مانند ایونینگ استاندارد^۲ (عصرنامه استاندارد نام روزنامه معروف انگلیسی است)، معتقد بودند که حضور آلمان‌ها در ایران مشکل‌ساز خواهد شد. روزنامه‌هایی مانند منچستر گاردین^۳ (منچستر گاردین نام قدیمی روزنامه معروف انگلیسی گاردین بود) مقالاتی منتشر کردند که در آن‌ها به بی‌اعتنایی ایران نسبت به عدم اخراج آلمانی‌ها اشاره شده بود. به تدریج، بی‌اعتمادی و بدگمانی دولت بریتانیا نسبت به سیاست‌ها و رویکردهای رضاشاه افزایش یافت و زمینه‌های سقوط حکومت او فراهم شد (پورشالچی، ۱۳۸۴: ۸۸۰).

پس از حمله آلمان به شوروی، دولت ایران گمان می‌کرد که تهدید روسیه پایان یافته و می‌تواند مناطقی را که در دوره فتحعلی‌شاه از دست داده بود، مجدداً به دست آورد. اما با اتحاد روسیه و بریتانیا، فشار برای اخراج آلمان‌ها افزایش یافت. دولت ایران در نهایت اعلام کرد که خطری از جانب آلمان، ایران را تهدید نخواهد کرد و حضور آنان تنها جنبه کمک صنعتی دارد، هرچند که تصمیم حمله نظامی به ایران توسط دولت‌های متفق پیش از این گرفته شده بود (فوران، ۱۴۰۲: ۳۸۱-۳۸۰).

در ۱۳ اوت، وزارت جنگ بریتانیا اختاریه‌ای مبنی بر قصد تصرف خوزستان صادر کرد. این اقدام، پیشروی انگلیس به خاک ایران را نشان می‌داد، اما ورود نیروهای روسیه به ایران برای دولت ایران قابل پیش‌بینی نبود (استوارت، ۱۳۷۰: ۱۳۳-۱۳۲). متفقین در ۲۵ مرداد اولتیماتوم نهایی خود را برای اخراج آلمانی‌های مقیم ایران صادر کردند. همزمان، معاون وزارت خارجه ایران گزارش‌هایی مبنی بر تمرکز قوای زمینی انگلیس در سرحدات ایران به رضاشاه ارائه داد. علی‌منصور، ضمن تأیید افزایش حضور انگلیس و روسیه در سرحدات ایران، تأکید کرد که مسئله اولتیماتوم به نفع حفظ استقلال ایران تمام شده بود (گلشائیان، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۳). براساس گزارش ۱۸ اوت، وزیر مختار انگلیس به مقامات ایرانی بی‌اعتماد بود و معتقد بود که شاه قصد دارد هر دو طرف مخاصمه را راضی نگه دارد. روز بعد، وزیر مختار آمریکا در ایران طی گزارشی مدعی شد که ایران مقامات بلندی پایه آلمان را اخراج کرده است، اما وزیر خارجه ایران انتقال آلمانی‌ها را نیازمند زمان طولانی دانست. اظهارات وزیر خارجه ایران از نظر دولت‌های متفق نوعی طفره رفتن تلقی شد و همین مسئله بهانه‌ای برای تسریع در پیشروی به

ایران گردید (مکی، ۱۳۶۳: ۷۱-۷۲/۷). براساس گزارش یکم شهریور ۱۳۲۰، هدف بریتانیا تصاحب نفت خوزستان بود، اما باید توجه داشت که هدف اصلی، اشغال خطوط ارتباطی با کمک روسیه بود (خامه‌ای، ۱۳۷۸: ۳۱). همچنین، به استناد گزارش وزیر مختار آمریکا در ایران، رضاشاه دستور اخراج آلمان‌ها را ظرف دو هفته صادر کرده بود. در مقابل، سفیر کبیر ایران، تقاضای متفقین را نقض حاکمیت ایران و ناشی از تحریکات انگلیسی‌ها می‌دانست و تلویحاً اعلام کرد که ایران در برابر هرگونه تجاوزی دفاع خواهد کرد. در ادامه وزیر مختار انگلیس اعلام کرد با توجه به بی‌اعتنایی ایران، بریتانیا زمام امور را به دست خواهد گرفت (مکی، ۱۳۶۳: ۸۶/۷-۸۳). صبح سوم شهریور، مدیر کل وزارت دارایی، گردهمایی میان مقامات انگلیس و اعضای کمپانی نفت در سفارت انگلیس را گزارش داد. از سوی دیگر، منصور اعلام کرد که وزیر مختار انگلیس و سفیر روسیه به طور مشترک نامه‌ای مبنی بر درخواست کمک از ارتش برای اخراج آلمان‌ها ارسال کرده‌اند. در همین زمان، قشون روسیه از جلفا و پهلوی و قوای انگلیس از کرمانشاه و خوزستان وارد ایران شدند (گلشائیان، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۵). ایران به عنوان کشوری بی‌طرف، از شمال و جنوب مورد تجاوز قرار گرفت. نیروهای روس که مرکب از دو تیپ پیاده نظام در سه ستون بودند، حملات خود را آغاز کردند و نیروهای انگلیسی از نواحی غرب و جنوب غربی یورش بردند. متعاقباً، ناوهای جنگی انگلیس، نیروی دریایی ایران و کشتی‌های تجاری آلمانی به همراه سه کشتی ایتالیایی را در بندر شاپور بمباران کردند. در طول این حملات، ارتش ایران مقاومت چندانی از خود نشان نداد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۴۰۲: ۳۸۱-۳۸۰). دولت روسیه اقدامات خود را در واکنش به تهدید منافعش توسط بنگاه‌های بازرگانی و صنعتی آلمان، تجاوزکارانه تلقی نمی‌کرد. بنابراین متعهد شد پس از

رفع خطر، ایران را ترک کند (ترک‌چی و ططری، ۱۳۸۸: ۹۴۵). از سوی دیگر، انگلیس‌ها اجازه ورود کالاهایی را که قرار بود آلمان‌ها پیش از شروع جنگ به ایران بفرستند، صادر کردند. اما پس از آغاز جنگ، کمپانی نفت انگلیس حمل نفت را کاهش داد و مطبوعات ایران این اقدام را به عنوان فشاری اقتصادی بر ایران مطرح کردند. با این وجود، بولارد این عمل را به دلیل شروع جنگ توجیه می‌کرد (بولارد و کلارمونت، ۱۳۶۳: ۳۱-۳۰). با استناد به خاطرات تاج‌الملوک همسر رضاشاه، می‌توان دریافت که به عقیده او بولارد با ایرانیان دشمنی داشت. بولارد که به‌عنوان وزیر مختار انگلیس در ایران فعالیت می‌کرد، گزارش‌های غرض‌آلودی می‌نگاشت که زمینه اختلاف انگلیس با ایران را تشدید می‌کرد. از نمونه گزارش‌های او می‌توان به گزارش ستون پنجم آلمان در ایران اشاره کرد که نام ۵۰ نفر از رجال ایرانی را به‌عنوان جاسوس آلمان معرفی کرده بود (اسلامیه، ۱۳۸۰: ۲۹۹).

رضاشاه در پنجم شهریور خوش‌بینی خود نسبت به متفقین را لبراز داشت و معتقد بود بی‌طرفی برای حفظ قولین بین‌المللی کافی نیست. در همین حال، از سوم تا پنجم شهریور، دولت منصور منحل شد و محمدعلی فروغی به نخست‌وزیری رسید. پس از ملاقات با متفقین، فروغی فرمان ترک مخاصمه را صادر کرد (کاظمی و البرز، ۱۳۳۵: ۲۲۹-۲۳۰). چند روز بعد تمام ایران به اشغال درآمد و مسئله عزل رضاشاه با جدیت بیشتری پیگیری شد. قطع رابطه ایران و آلمان منجر به کاهش چشمگیر ارتباط تجاری میان دو کشور تمام شد (برهانی، ۱۳۹۵: ۴۱). ایران در ۸ شهریور حکومت نظامی برقرار کرد و به مردم اطمینان داد که از نظر تأمین خواروبار مشکلی پیش نخواهد آمد. با این حال، گزارش‌ها حاکی از اضطراب مردم نسبت به ورود متفقین بود (ترک‌چی و ططری، ۱۳۸۸: ۹۴۶-۹۴۷).

نمایندگان مجلس نیز اذعان داشتند که سیاست خارجی محتاطانه‌ای در پیش گرفته بودند و پس از تجاوز، مقاومتی صورت نگرفت. آنان حضور آلمان‌ها را عامل ایجاد مشکل و فتنه‌انگیزی می‌دانستند. از سوی دیگر، انگلیس و روسیه با وجود همسایگی جغرافیایی با ایران، ورود خود را اجباری و نشانی از دوستی تلقی می‌کردند (افشار و همایون‌پور، ۱۳۸۹: ۲۰۶-۲۰۸). پس از اشغال، روابط بازرگانی محدود شد و قحطی و مرگ‌ومیر افزایش یافت. دولت با اتخاذ سیاست‌های نادرست، از جمله آزادسازی صدور محصولات غذایی، بحران را تشدید کرد. اقدامات عمرانی متوقف شد و کارگران و دهقانان در فقر زندگی خود را می‌گذراندند. (جلال‌پور و محمدی، ۱۳۹۱: ۱۶۰-۱۵۸).

مهمترین نکته در شهریور ۱۳۲۰، تزلزل پایه‌های سلطنت رضاشاه به دلیل نارضایتی عمومی بود. در این میان، سیاستمداران انگلیس به دنبال جایگزینی برای او بودند و در نهایت، تصمیم بر تداوم سلطنت پهلوی توسط ولیعهد، محمدرضا، اتخاذ شد. با این حال، اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا هرگونه دخالت این کشور در امور داخلی ایران را رد کرده و مسئولیت تصمیمات مربوط به سلطنت را متوجه فروغی می‌دانند. اگرچه نمی‌توان نقش فروغی را در تثبیت سلطنت پهلوی نادیده گرفت، اما دولت انگلیس در روی کار آوردن رضاشاه و سپس عزل او نقش کلیدی ایفا کرد (رفیع‌پور، ۱۳۹۶: ۳۹-۳۸).

۳. رویکرد روزنامه تجدد/ایران نسبت به آلمان و متفقین
دوره پهلوی در تاریخ ایران، آمیزه‌ای از نوآوری‌های نوین، تحولات سیاسی گسترده و حضور پررنگ نیروهای خارجی بود. جراید که به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در عصر قاجار شکل گرفته بودند، به سرعت گسترش یافتند و در دوره‌های قاجار و پهلوی نقشی حیاتی در اطلاع‌رسانی ایفا کردند. مطبوعات آیینی‌ای از فضای اجتماعی و سیاسی زمان خود بودند و تأثیر

چشم‌گیری بر افکار عمومی داشتند (آلبر، ۱۳۶۸: ۹). یکی از این مطبوعات، روزنامه تجدد ایران بود که برای نخستین بار با صاحب‌امتیازی و مدیریت میرزا سید محمد طباطبائی در تهران تأسیس شد. این روزنامه از ۷ اردیبهشت ۱۳۰۶ فعالیت خود را آغاز کرد و تا شهریور ۱۳۲۰ به‌طور منظم منتشر می‌شد؛ اما پس از این تاریخ دچار رکود شد و سرانجام به تعطیلی انجامید (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۰۹-۱۰۸/۲). آقای طباطبائی از چهره‌های باسابقه در عرصه مطبوعات بود و علاوه بر انتشار روزنامه تجدد ایران، روزنامه‌هایی همچون خراسان و فریاد را منتشر می‌کرد. همچنین سوابق و فعالیت‌های سیاسی مهمی در کارنامه او دیده می‌شود (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۰۹-۱۱۰/۲). به نظر می‌رسد این روزنامه پس از شهریور ۱۳۲۰ به هفته‌نامه تبدیل شده و گرایش‌های مذهبی پیدا کرده باشد (گودرزی، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

با توجه به شرایط ایران در این برهه حساس از تاریخ معاصر، روزنامه‌ها و جراید کشور عمدتاً به انتشار اخبار مرتبط با جنگ جهانی دوم می‌پرداختند. در این میان، روزنامه تجدد ایران به‌عنوان یکی از مطبوعات وابسته به دولت، نقشی برجسته در بازنمایی رویدادهای ایران و جهان ایفا می‌کرد. این روزنامه به سبب وابستگی به دولت، از خط‌مشی رسمی آن در خصوص حمایت یا عدم حمایت از کشورهای درگیر جنگ پیروی می‌نمود. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، رضاشاه به دلیل گرایش و حمایت از آلمان، از سوی کشورهای متفقین مورد تهدید قرار گرفته بود و بازتاب این موضوع در گزارش‌ها و مطالب منتشرشده در روزنامه نیز به‌وضوح قابل مشاهده است. برای درک دقیق‌تر فضای سیاسی و اجتماعی آن دوران، لازم است به یکی از گزارش‌های منتشرشده در اوایل شهریور ۱۳۲۰ پیش از ورود مستقیم نیروهای متفقین به خاک ایران اشاره شود (روزنامه تجدد ایران، ش ۳۲۰۴ (۱ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۲). ایران به

رغم آنکه بی طرفی خود را اعلام کرده بود، اما شاه و ارتش امید داشتند که آلمان در جنگ پیروز شود، به عقیده کاتوزیان، اکثر جامعه در آن دوره، تمایل به آلمانی‌ها داشتند اما این تمایل نه از روی حمایت از نازی‌ها، بلکه به دلیل رویکرد ضد انگلیسی آنان بود (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۸۰).

ترکیه نیز همانند ایران در جریان جنگ جهانی دوم اعلام بی طرفی کرده بود؛ اما روزنامه، با استناد به خبرگزاری‌های آلمان، گزارش‌هایی منتشر می‌کرد که از توجه ترکیه به پیشرفت‌های نظامی آلمان و ناکامی انگلیس در اثرگذاری تبلیغاتی در این کشور حکایت داشت. به نظر می‌رسد هدف از طرح این مطالب، برجسته‌سازی قدرت نظامی آلمان و در مقابل، تضعیف موقعیت روسیه و انگلیس بوده است. در این گزارش، ترکیه به عنوان کشوری استراتژیک در امر پاسداری از تنگه‌ها معرفی می‌شود و چنین توصیف می‌گردد که مبارزات ملی این کشور در گرو رهایی از امپریالیسم انگلیس است؛ از این رو، حاضر نیست با حمایت از متفقین این مبارزات را زیر سؤال ببرد. با این حال، نسبت به آلمان نگاه مثبت و خوش‌بینانه‌ای دارد. در مجموع می‌توان دریافت که روزنامه در این مقطع رویکردی مساعد نسبت به آلمان داشته و انتخاب اخبار مرتبط با ترکیه نیز در جهت تقویت همین تصویر و القای برتری نظامی آلمان و تضعیف قدرت روسیه و انگلیس صورت گرفته است (روزنامه تجدد ایران، ش ۳۲۰۴ (۱ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۲).

نکته قابل توجه دیگر، انتشار اظهارات جوزف/ژوزف گوبلز،^۱ وزیر تبلیغات آلمان از سوی خبرگزاری آلمان است که در آن، اتهامات شوروی مبنی بر استفاده از زنان برای اغفال سربازان را تکذیب کرده است. هدف روزنامه از درج این خبر، نقض تبلیغات متفقین و معرفی آنان به عنوان دروغ‌پرداز با هدف تخریب وجهه آلمان در جهان بود. انتشار

چنین گزارش‌هایی در بخش اخبار جهان روزنامه، حاکی از آن است که برخی مطبوعات، از جمله تجدد ایران، در راستای سیاست‌های کشور تلاش داشتند توان نظامی آلمان را برجسته سازند. این اقدامات را می‌توان نوعی سفیدشویی نازی‌ها تلقی کرد (روزنامه تجدد ایران، ش ۳۲۰۴ (۱ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۲).

در بخش دیگری از روزنامه، گزارشی از دو نشریه لندن و آلمان آمده است. بر اساس این گزارش، پس از وصول نامه اعتراض‌آمیز انگلیس به وزیر مختار خود در ایران، آلمان اعلام کرد در صورتی که ایران به اعتراض نامه و درخواست خود از سفرای روسیه و انگلیس توجه نکند، ایران را در مقابل این دو کشور حمایت خواهد کرد. آلمان این‌گونه می‌پنداشت که متفقین قصد ارسال مهمات به ایران را دارند تا از حضور نیروهای آلمانی در این کشور جلوگیری کنند. همچنین طبق گزارشی از جلسه میان محمد شایسته، وزیر مختار ایران در آمریکا، و کوردل هال،^۲ ایران حضور ستون پنجم آلمان در ایران را تکذیب کرد و بر آمادگی خود برای مقاومت و دفاع از خاک ایران در صورت تهاجم خارجی تأکید نمود (روزنامه تجدد ایران، ش ۳۲۰۴ (۱ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۲). روزنامه با پوشش مذاکرات ایران و متفقین و انتشار تکذیبیه‌ها، تلاش می‌کرد تا بر روابط غیرنظامی خود با آلمان صحه گذارد و هم‌زمان، با تأکید بر سیاست بی طرفی و استقلال ایران، اعتماد جامعه را جلب نماید. به عبارت دیگر، این روزنامه با برجسته‌سازی برخی گزارش‌های خبرگزاری‌های خارجی، به‌طور غیرمستقیم نگرشی مثبت به آلمان القا می‌کرد و افکار عمومی را به سمت درک سیاست بی طرفی ایران و آمادگی برای مقاومت در برابر هرگونه تهاجم احتمالی از سوی متفقین هدایت می‌نمود (روزنامه تجدد ایران، ش ۳۲۰۴ (۱ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۲).

در ۳ شهریور ۱۳۲۰ متفقین یادداشت‌های خود را مبنی بر توسل به نیروهای نظامی به ایران تسلیم کردند. پیش از این، نیروهای هوایی روسیه اقدام به بمباران در آذربایجان کرده بودند و نیروهای ایرانی از جلفا به سمت تبریز برای مقابله با آنان اعزام شده بودند. در خوزستان کشتی‌های بندر شاهپور آسیب دیده بودند و نیروهای انگلیس از قصر شیرین به سمت کرمانشاه پیشروی می‌کردند. با این حال، دولت ایران هیچ مقاومتی از خود نشان نداد و صرفاً به دنبال روشن شدن علت ورود متفقین و اقدامات آنان بود (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۰۶، ۴ شهریور ۱۳۲۰، ص ۱). اطلاع از ورود قوای متفقین به ایران، رضاشاه را پریشان کرد. در این موقعیت، مذاکرات رضاشاه با درباری‌هایی چون سرلشگر ضرغامی و رکن‌الدین مختاری بی‌فایده بود (جامی، ۱۴۰۲: ۸۳).

روزنامه در شماره‌های دیگر به نقل از خبرگزاری فرانسه، دلایل ورود نیروهای شوروی به ایران را براساس یادداشت مولوتوف^۱ به سفیر کبیر ایران در تاریخ ۲۵ اوت تشریح کرد. مولوتوف در این یادداشت تأکید کرده بود که ورود نیروهای شوروی جنبه تجاوز به خاک ایران را ندارد و این نیروها پس از ترک خاک ایران توسط نیروهای آلمان، آن را ترک خواهند کرد. او همچنین ضمن به رسمیت شناختن تمامیت ارضی ایران و حفظ روابط بر پایه دوستی و قراردادهای بازرگانی، بر این نکات تأکید داشت. دولت شوروی تلاش می‌کرد تا حملات خود را توجیه نماید. در مقابل، طبق گزارش‌های خبرگزاری انگلیس، یادداشتی که توسط مقامات ایران درباره عدم وجود خطر از سوی آلمانی‌های مقیم ایران به دولت‌های انگلیس و روسیه ارسال شده بود، از نظر آنان مبهم و غیرقابل قبول تلقی گردید. روزنامه به نقل از ریدر بولارد اشاره می‌کند که دولت انگلیس به منظور دفاع از منافع جهانی و متحدان خود، اقدامات نظامی علیه ایران را آغاز کرده و این اقدام را

نتیجه حضور آلمان در ایران دانسته است (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۰۷ (۵ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۳-۱). دولت انگلیس همچنین اظهار داشت تا زمانی که تصمیم‌گیری‌های لازم با مسئولین حکومت در تهران صورت نگیرد، عملیات جنگی هوایی انجام نخواهد شد. انگلیس در گزارش‌های خود که در روزنامه درج شده، بر ضعف ارتش ایران و ناتوانی آن در برابر حملات تأکید کرده و اقدامات دفاعی را به دلیل حضور آلمانی‌ها و عوامل ستون پنجم ساکن در ایران ضروری می‌دانست. نیروهای شوروی دلیل حمله به ایران را عدم توجه به هشدارهای این دولت مبنی بر گزارش‌های کودتای سیاسی و تهدیدات آلمان در ایران عنوان کرده و اظهار داشتند که تنها برای دفع تهدیدات نازی‌ها، نیروهای خود را به ایران فراخوانده‌اند. در نهایت، با وجود آنکه روزنامه در گزارش‌های خود از خبرگزاری فرانسه، عواملی را که منجر به هجوم متفقین به ایران شده بود ذکر کرده و به نوعی اعلام نموده بود که در صورت رفع خطر آلمان، این تهاجمات پایان خواهد پذیرفت، بررسی گزارش‌های خبرگزاری انگلیس و ارزیابی ارتش ایران به عنوان نیرویی ضعیف و وابسته به عوامل ستون پنجم، این نکته را آشکار می‌سازد که متفقین از ایران به عنوان کشوری بالقوه در یاری رساندن به شکست آلمان یاد می‌کردند (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۰۷ (۵ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۳-۱).

روزنامه گزارش می‌دهد که ایران با ارسال تلگراف‌های رمزی به کشورهای لبنان، سوریه و رومانی در تلاش بود تا موضع خود را در عرصه بین‌المللی تحکیم بخشد. این اقدام ایران را می‌توان نشانه‌ای از فاصله گرفتن آن کشور از سیاست بی‌طرفی اعلام‌شده‌اش دانست. با این حال، طبق اظهارات دفتر بین‌المللی اتحاد، تلگراف‌های ارسالی ایران به مقصد رومانی تنها در صورتی پذیرفته می‌شد که غیردولتی بوده و به

زبان‌های رومانیایی، آلمانی، ایتالیایی و فرانسوی نوشته شده باشند. این تلگراف‌ها تابع مقررات سانسور بودند و دولت رومانی هیچ مسئولیتی در قبال تأخیر یا استرداد آن‌ها نمی‌پذیرفت. این محدودیت‌ها نشان‌دهنده آن است که روابط متحدین با ایران بر پایه دوستی و حسن تفاهم قرار نداشته است (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۱۳ (۱۶ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۱).

روزنامه تجدد ایران گزارش می‌دهد که دولت ایران در تاریخ ۲۳ شهریور از طریق رادیو تهران اعلام کرد اتباع آلمان مقیم ایران باید گذرنامه‌های خود را ظرف ۲۴ ساعت به مأموران محل اقامت خود تحویل دهند. این اقدام، نشان‌دهنده ضعف در روابط میان ایران و آلمان و در مقابل، تقویت تدریجی روابط ایران با متفقین بود. چرا که ایران، پس از دو سال اعلام بی‌طرفی در جنگ و پذیرش حضور نیروهای آلمانی در خاک خود، سرانجام به مهم‌ترین خواسته‌های متفقین پاسخ مثبت داد (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۱۸ (۲۳ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۲). با توجه به شرایط ایران در آن زمان، آمار دقیقی از آلمانی‌هایی که در روزهای هجوم نیروهای متفقین موفق به فرار یا توسط مقامات نظامی شوروی و انگلیس در ایران دستگیر شدند، در دسترس نیست، اما براساس گزارش سازمان امنیتی و ضد جاسوسی انگلیس در خاورمیانه، تخمین زده شده بود که صد نفر از آنان در ایران پنهان شدند و عده‌ای از آنان به مناطق جنوبی ایران از جمله فارس و منطقه قشقایی گریختند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۸۰).

۴. مواضع مجلس شورای ملی در روزنامه تجدد ایران

پس از تهاجم متفقین به ایران، جلساتی در مجلس شورای ملی برای رسیدگی به این موضوع برگزار گردید. نخستین جلسه مجلس در تاریخ ۳ شهریور، به نخست‌وزیری علی منصور تشکیل شد و جزئیات آن در روزنامه منتشر گردید. منصور در مجلس، ضمن اشاره به سیاست بی‌طرفی ایران و

نقض آن توسط متفقین، تأکید کرد که ایران از سیاست اعلام‌شده خود تخطی نکرده و همواره در جهت صیانت از حقوق مشروع همسایگان کوشیده است. با این وجود، نیروهای انگلیس و روسیه به خاک ایران هجوم بردند. کشورهای یادشده در تاریخ‌های ۲۸ تیر و ۲۵ مرداد، در یادداشت‌هایی نسبت به حضور اتباع آلمان مقیم ایران ابراز نگرانی کرده بودند. در پاسخ به این یادداشت‌ها، منصور اظهار داشت که دولت ایران در مذاکرات شفاهی و همچنین در یادداشت‌های مورخ ۷ و ۳۰ مرداد، اطمینان‌های لازم درباره مراقبت از کلیه اتباع بیگانه و عدم بروز تهدید از سوی آلمانی‌های مقیم ایران را لبراز کرده بود. برای افزایش این اطمینان، اقداماتی برای کاهش شمار قابل توجهی از آلمانی‌ها آغاز شد. این موضوع در تهران، مسکو و لندن به مقامات شوروی و انگلستان یادآوری گردید و تمام تلاش‌ها برای روشن شدن نظریه آن‌ها و جلب اطمینانشان به عمل آمد (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۰۶ (۴ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۲). از صحبت‌های منصور و جلسه فوق‌العاده‌ای که برگزار شد، می‌توان دریافت که دولت ایران به دلیل اعتماد بیش از حد به قوانین بین‌المللی، درگیر جنگ شد. پیش از ورود نظامیان متفقین، ایران تحرکات آلمان را به گونه‌ای توجیه می‌کرد که در محافل بین‌المللی غیرمنطقی به نظر می‌رسید. دومین جلسه فوق‌العاده مجلس در تاریخ ۹ شهریور برگزار شد. در این جلسه، وزیر امور خارجه ایران در سخنرانی خود درباره یادداشت‌های روسیه در تاریخ ۶ شهریور که حاوی ابراز نگرانی از حضور آلمانی‌ها در ایران بود، اظهار داشت که دولت ایران برای حفظ دوستی با دو دولت مذکور، مقاومتی نکرد. این در حالی بود که متفقین به بمباران شهرهای ایران پرداخته بودند و دولت ایران انتظار داشت تا زمانی که آن‌ها پاسخی برای ورودشان به خاک ایران ارائه ندهند، حملات خود را نیز متوقف کنند. انگلیس و روسیه

طی یادداشتی در تاریخ ۸ شهریور، در پاسخ به درخواست ایران، تأکید کردند که تمامیت ارضی ایران را به خطر نمی‌اندازند و اقداماتشان تنها علیه آلمانی‌ها بوده، نه ایران (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۰۶ (۴ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۲).

بخشی از روزنامه به شروط دولتی شوروی و انگلیس برای ایران پرداخته است که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. عقب‌نشینی و عدم مقاومت قوا ایران؛ درخواست از ایران برای تضمین عقب‌نشینی و عدم مقاومت نیروهای نظامی از شمال و شرق، در خطی که از خانقین، کرمانشاهان، خرم‌آباد، مسجد سلیمان و هفت کرد می‌گذشت. همچنین، عقب‌نشینی قشون ایران از شمال ایران و مناطقی مانند اشنویه، حیدرآباد، میاندوآب، زنجان، قزوین و غیره، و اشغال موقت این مناطق توسط شوروی.

۲. اخراج اتباع آلمان: دولت ایران موظف بود ظرف یک هفته، کلیه اتباع آلمان به جز اعضای حقیقی سفارت و افراد فنی بنگاه‌های مخابراتی و نظامی را اخراج کرده و اسامی آن‌ها را به نمایندگان سیاسی متفقین در تهران تسلیم نماید.

۳. تعهدات ایران در قبال حمل و نقل و اتباع آلمان: دولت ایران باید متعهد می‌شد که از ورود اتباع آلمان به خاک ایران جلوگیری کرده تا مانعی در مسیر حمل و نقل ادوات جنگی ایجاد نشود. حمل و نقل باید از طریق راه آهن یا خطوط هوایی صورت گیرد.

۴. تعهدات متفقین: در مقابل، انگلیس و روسیه متعهد شدند که حقوق مربوط به نفت و سایر موارد در ایران مانند سابق پرداخت شود، لوازم مورد نیاز اقتصادی ایران فراهم گردد و پیشروی خود را در ایران متوقف کنند. همچنین در صورت مساعد بودن وضعیت نظامی، قوای خود را از خاک ایران خارج کنند.

در پاسخ به درخواست متفقین، ایران پذیرفت که به دلیل موقعیت جنگی، قوای روسی در برخی مناطق نامبرده اقامت کنند. این مناطق شامل شهرهای خرم‌آباد و دزفول در جنوب، و قزوین، سمنان و شاهرود در شمال بود. دولت ایران رضایت داد که قوای انگلیس، کرمانشاه را تخلیه نکند. با این حال، حضور متفقین مشروط به رعایت مقررات و حقوق ایران، عدم ایجاد اختلال در فعالیت شهرداری و تأمین احتیاجات اقتصادی خودشان بود تا هیچ هزینه‌ای به ایران تحمیل نشود. دولت ایران همچنین خواستار آن بود که متفقین تا حد امکان تماسی با اهالی شهرها نداشته باشند. در مقابل، ایران متعهد شد که آلمانی‌ها را که تعدادشان بیش از سه هزار نفر تخمین زده می‌شد، خارج کند. ایران همچنین متعهد شد ضمن حفظ بی‌طرفی، راه‌های ارتباطی متفقین را فراهم کند. اما طبق تعهد متفقین، کالاهای صادراتی ایران و اجناس متعلق به آن که در تصرف انگلیس بود یا در خاک شوروی قرار داشت، باید به ایران بازگردانده می‌شد. ایران در خصوص خروج متفقین خواهان سندی بود تا اعتمادسازی در این زمینه صورت گیرد. همچنین، ایران مایل بود حق امتیاز نفت شرکت ایران و انگلیس کمافی‌السابق پرداخت شود و طبق قرارداد ایران و روسیه در تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۲۷، حقوق مربوط به شیلات سواحل جنوبی دریای خزر پرداخت گردد. در پایان، دولت ایران متذکر شد که مهمات و اسلحه‌های توقیف‌شده توسط قوای متفقین بلید به ایران تحویل داده شود و در صورت بروز خسارات مالی و خرابی‌های ناشی از جنگ، اقدامات نوسازی صورت گیرد تا پایه‌های این رابطه دوستانه استوار بماند. متفقین با شروط سنگین خود، حاکمیت ایران را نقض کردند و دولت ایران این شروط را پذیرفت، اما توانست بر قراردادهای خود پافشاری کند. این اقدام ایران حاکی از تلاش برای حفظ حداقل حقوق مالی خود در شرایطی بود که اصل حاکمیت و

استخراج نفت کویر خوریان، سندی اتخاذ شود که توقیفی صورت نگیرد. شوروی متعهد شد تا حد توان کالاهای ایرانی که در خاک روسیه بود را آزاد کند، اما تا زمانی که ضرورت توقف آنان در خاک ایران مرتفع شود، تسلیحات در تصرف روسیه بماند. نکته قابل توجه آن است که روسیه برخلاف انگلیس، درخواست ایران را درباره جبران خسارت به واسطه جنگ و بمباران‌ها قبول نکرد؛ زیرا ایران در مقابل ارتش آنان مقاومت کرده بود. پاسخ شوروی تحمیل شرایطی بود که از طرفی ایران استقلال خود را از دست می‌داد و از طرفی دیگر، امکانات و لوازم آنان را فراهم می‌کرد و این مسئله موجب می‌شد ایران دیگر به‌عنوان کشوری بی‌طرف شناخته نشود. شوروی در برابر درخواست‌های ایران سرسخت بود (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۱۵ (۱۹ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۱-۲).

ایران نسبت به برچیده شدن سفارتخانه‌های ذکر شده، موافقت کرد، اما مکرراً موضوع عدم خطر حضور آلمان‌های مقیم ایران را گوشزد و اقدامات متفقین را ناموجه دانست. با توجه به اینکه متفقین خروج شهرهای دزفول، خرم‌آباد و کرمانشاه را جایز ندانستند، ایران درخواست کرد که برای حفظ نظم و آرامش با مأموران ایران همکاری کنند. در مقابل دولت ایران مانع اقدامات متفقین نخواهد شد و احتیاج آنان را برآورده خواهد کرد. دولت ایران در پاسخ به نامه شوروی، مانند پاسخ به انگلیس عمل کرد؛ با این تفاوت که ایران انتظار داشت خسارات وارد شده از طرف دولتی مذکور رفع شود، زیرا حمله آنان بدون اطلاع و هشدار مستقیم صورت گرفته بود. با وجود غیرموجه دانستن مسئله توقف مهمات در خاک روسیه، ایران رضایت داد پس از اتمام جنگ این مهمات به ایران تحویل داده شود (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۱۶ (۲۰ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۱-۲).

استقلال ایران از دست رفته بود و به نوعی تسلیم شدن در برابر اولتیماتوم نظامی متفقین را رقم می‌زد (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۱۴ (۱۸ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۱).

سفارت انگلستان در پاسخ به خواسته‌های ایران اعلام کرد این کشور خواهان تحویل اتباع آلمانی مقیم ایران به مقامات خود است. برای جلوگیری از هرگونه ممانعت توسط ایران، انگلستان در تاریخ ۱۴ شهریور اعلام نمود که سفارتخانه‌های آلمان، ایتالیا، رومانی و مجارستان بسته شده و اتباع آن باید ایران را ترک کنند. انگلستان همچنین اجازه داد مأمورین ایران در مناطق اشغال شده توسط این کشور، از جمله دزفول و خرم‌آباد حضور داشته باشند. این حضور مشروط به انجام وظایف مأموران ایرانی تحت نظارت دولت انگلستان بود. بریتانیا مجدداً بر عدم تحمیل هزینه‌ها و تأمین مالی تولیدات خود توسط ایران تأکید کرد. در خصوص درخواست ایران مبنی بر آزادسازی کالاها، انگلیسی‌ها اظهار داشتند که تا حد امکان به آن عمل خواهند کرد و مسئله خسارت و تحویل اسلحه را پیگیری خواهند کرد.

دولت شوروی نیز در پاسخ به درخواست‌های ایران متذکر شد که متفقین تهران را اشغال نخواهند کرد. همچنین ایران موظف بود نظارت جدی بر ارتباطات سفارتخانه‌های متحدین داشته باشد. شوروی با درخواست ایران مبنی بر عدم اشغال برخی شهرها مخالفت کرد و انتظار داشت شهربانی مناطق اشغال شده با قوای روس همکاری کند. روس‌ها متعهد شدند مشکلی برای ایران به وجود نیآورند و در مسئله ترانزیت کالاها خللی ایجاد نشود. همچنین محدودیت ورود اتباع آلمان به ایران تنها به زمان جنگ مربوط می‌شد و اتباع این کشور در ایران باید به روسیه و انگلستان تحویل داده شوند. از دیگر شروط در بحث حمل و نقل نظامی شوروی این بود که دولت ایران از طریق راه‌آهن، ممانعتی به وجود نیآورند و برای قرارداد جدید

۵. بازتاب مسائل داخلی و اجتماعی در روزنامه

با ادامه حملات متفقین و اعلامیه‌های دولتی مبنی بر بمباران شهرهایی چون تبریز، اردبیل، ارومیه، خوی، اهر و میاندوآب که منجر به آسیب دیدن غیرنظامیان شد، حضور نیروهای موتوریزه شوروی در محور جلفا، مرند، پلدشت و ماکو و همچنین حضور نیروهای ارتش انگلستان در محور خانقین، قصر شیرین، نفت شهر، گیلان، آبادان، بندر شاهپور و قصر شیخ به اشغال ایران منجر شد. نکته قابل توجه، اعزام نیروهای دفاعی ایران بود، هرچند روزنامه به تعداد نیروهای اعزام شده اشاره‌ای نکرده است. تنها به حضور دو ارباب زره‌پوش متعلق به متفقین در منطقه باختر اشاره شده است. در این زمان، دولت در بیانیه‌ای مجدداً بر صلح‌طلبی ایران تأکید کرد و خواستار پاسخی قاطع از سوی دولت نسبت به تهاجمات صورت گرفته بود. روزنامه تجدد ایران علاوه بر اطلاع‌رسانی، درباره چگونگی پاسخ دولت به متخاصم و وضعیت جنگی در کشور، نکاتی را جهت حفظ جان مردم در برابر بمباران‌ها و شماره تلفن بیمارستان‌ها در بخشی از صفحات خود درج کرده بود (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۰۷ (۵ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۱-۲).

پس از سخنرانی فروغی در مجلس شورای ملی درباره اوضاع پایتخت، اخباری مبنی بر عدم کمبود خواربار در تهران منتشر شد. این اقدامات نشان‌دهنده تلاش دولت برای تأمین رفاه مردم در دوره جنگ بود. فروغی در سخنرانی خود، ضمن اطمینان دادن به مردم پایتخت درباره عدم پیشروی متفقین و جلوگیری از قحطی، از آنان خواست تا آرامش خود را حفظ کنند. سخنان او بیش از آنکه بیانگر وضعیت ایران در عرصه بین‌المللی باشد، ابزاری برای آرام کردن مردم تلقی می‌شد. به دنبال این سخنرانی، دولت کوشید تا با تبلیغات و کاهش بار روانی هجوم متفقین، وضعیت کشور را عادی جلوه دهد. این در حالی بود که ایران از سوم شهریور به بعد،

با هجوم انگلستان و شوروی، وارد جنگی شده بود که دو سال از آن بر حذر بود (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۰۸ (۹ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۱).

به تدریج بخش کشاورزی کشور که ستون فقرات اقتصادی ایران به‌شمار می‌رفت دچار رکود شد؛ به طوری که تولید گندم و جو ۲۵ درصد، پنبه ۳۹ درصد، برنج ۱۰ درصد و توتون و تنباکو ۷ درصد کاهش قابل توجهی پیدا کرد (امرابی، ۱۳۹۴: ۳۶). دولت در بیانیه‌هایی به ساکنان تهران اخطار داد که برای فراهم کردن مایحتاج عمومی، مغازه‌های خود را باز کنند. تنها با فاصله یک شماره از روزنامه، دولت اعلام کرد که مایحتاج مردم رو به کاهش است و از مردم خواست تا در این زمینه همکاری کنند. از سوی دیگر، دولت علاوه بر تأکید بر تأمین خواربار، گندم و آرد برای مغازه‌ها و نانوائی‌ها، متذکر شد که این اقلام بدون تشریفات و پرداخت مابه‌التفاوت، برای مصرف شخصی یا مغازه‌ها به مردم عرضه می‌شود. همچنین، نانوائی‌ها ملزم بودند که نان را براساس نرخ مصوب به مردم بفروشند تا از گران‌فروشی در شرایط جنگ جلوگیری شود.

دولت اظهارات رادیو برلن مبنی بر بمباران شمال باختری و آسیب رسیدن به مردم را تکذیب کرد. گزارشی که در روزنامه اطلاعات درباره ارتقای سمت سپهد احمدی به فرماندهی کل ارتش منتشر شده بود تکذیب گردید و ادعای سپردن امور کشور به دست مأموران نظامی، خلاف واقع اعلام شد. اقدام دیگر رادیو برلن در جهت تضعیف روحیه مردم، اعلام سفر رضاشاه به اصفهان بود؛ اما براساس شواهدی که به تأیید روزنامه رسیده بود، او در تهران حضور داشت. دولت در پی گزارش رادیو برلن اظهار داشت که ایران همواره سیاست بی‌طرفی اتخاذ کرده و رابطه این کشور با آلمان چیزی جز روابط تجاری و اقتصادی نبوده است. در پایان به این رسانه

نسبت به گزارش و ادعاهای خود درباره ایران هشدار داده شد (روزنامه تجدد ایران، ۳۲۰۹ (۱۱ شهریور ۱۳۲۰)، ص ۱).

۶. نتیجه‌گیری

روزنامه در این دوره به عنوان یکی از منابع اطلاع‌رسانی، در انتقال اخبار ایران و دولت‌های خارجی تلاش می‌کرد. با توجه به سانسورهای مطبوعات در دوره رضاشاه، دور از انتظار نیست که این روزنامه افکار دولت را منتشر کند، اما گزارش‌هایی که در باب حضور متفقین و تغییر رویکرد ایران در جنگ جهانی دوم بیان شده، حائز اهمیت است. نکته قابل تأمل این است که اگرچه دولت ایران در یادداشت‌های رسمی خود، اقدامات متفقین را تجاوزکارانه تلقی نمی‌کرد، اما براساس گزارش‌های روزنامه تجدد ایران، پس از حضور متفقین در ایران، از واژگانی چون «تجاوز» و «بمباران شهرها» استفاده می‌کند که حاکی از نگاه انتقادی یا دوگانه روزنامه، در نتیجه تغییر نسبی رویکرد آن است. بررسی شماره‌های مختلف روزنامه تجدد ایران به‌ویژه پیش از سوم شهریور ۱۳۲۰ نشان می‌دهد که این روزنامه به جای آنکه واقعیت‌های تاریخی را بازتاب دهد، تحت تأثیر فشارهای دولت، اخبار را منتشر می‌کرد. تحلیل این روزنامه نشان‌دهنده گزینشی بودن برخی از گزارش‌ها است؛ از جمله بازتاب گزارش قدرت نظامی آلمان.

با آغاز اشغال ایران توسط متفقین، روزنامه تجدد ایران به‌تدریج از گزینش اخبار مربوط به حملات از آلمان دست برداشت. این روزنامه نقش مهمی در هدایت افکار عمومی ایفا کرد و به جای پرداختن به عزل نخست‌وزیر متمایل به آلمان و نصب نخست‌وزیر طرفدار متفقین، تنها به یادداشت‌های دیپلماتیک متفقین و ایران اکتفا کرد و بر صلح‌طلبی و بی‌طرفی ظاهری ایران پافشاری داشت. از این منظر می‌توان روزنامه تجدد ایران را به عنوان رسلنه‌ای برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های دولت در شهریور ۱۳۲۰

دانست. در نهایت می‌توان گفت که روزنامه تجدد ایران به بازتاب گفتمان‌های دولتی پرداخته و با هدف تبلیغات و طرفداری از سیاست‌های دولت به نشر اخبار می‌پرداخت.

کتابنامه

- آیتون، جوزف ام، نگرشی بر تاریخ ایران نوین، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نیلوفر، ۱۳۶۱.
- آلبر، پیر، مطبوعات، ترجمه فضل‌الله جلوه، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
- احمدی، نعمت و یونس صادقی، «جنگ جهانی دوم و حضور متفقین (با تأکید بر نقش انگلیس)»، پژوهشنامه تاریخ، سال ۸، شماره ۳۲، صص ۱-۲۱، ۱۳۹۲.
- استوارت، ریچارد، در آخرین روزهای رضاشاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران: معین، ۱۳۷۰.
- اسلامی، مصطفی، خاطرات تاج الملوک در گفت‌وگو با ملیحه خسروداد، تورج انصاری، محمودعلی باتمانقلیچ، تهران: به آفرین، ۱۳۸۰.
- افشار، ایرج و هرمز همایون‌پور، سیاست‌نامه ذکاءالملک، تهران: کتاب روشن، ۱۳۸۹.
- امرایی، شمس‌الدین، «بررسی وضعیت اقتصادی ایران در خلال جنگ جهانی دوم»، نشریه تاریخنامه خوارزمی، سال سوم، شماره ۴، صص ۲۸-۴۴، ۱۳۹۵.
- برهانی، مرجان، «بررسی مستند مداخلات انگلیس در امور داخلی ایران (۱۳۲۴-۱۳۲۰ش)»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال ۲۶، شماره ۴، صص ۳۶-۶۶، ۱۳۹۵.
- بولارد، ریدر و کلارمونت اسکراین، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نو، ۱۳۶۳.
- پورشالچی، محمود، قزاق، تهران: فیروزه، ۱۳۸۴.
- ترکچی، فاطمه و علی ططری «اسناد و مدارک شهریور ۱۳۲۰»، مجله پیام بهارستان، سال ۲، شماره ۵، صص ۹۴۳-۹۵۸، ۱۳۸۸.
- جامی، گذشته چراغ راه آینده است، تهران: ققنوس، چاپ سیزدهم، ۱۴۰۲.
- جلال‌پور، حسن و امیر محمدی، «پیامدهای اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰»، پژوهش در تاریخ، سال ۳، شماره ۴، صص ۱۵۴-۱۷۶، ۱۳۹۱.

- خامه‌ای، انور، سال‌های پراشوب، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۸.
- خان ملک یزدی، محمد، ارزش مساعی ایران در جنگ، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۲۴.
- ذوقی، ایرج، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران: پازنگ، ۱۳۶۸.
- رحمانیان، داریوش، ایران بین دو کودتا (تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از انقراض قاجاریه تا کودتای ۲۸ مرداد)، تهران: سمت، ۱۴۰۳.
- رفیع، حسین و مجید عباس‌زاده مرزبانی، «بررسی روابط ایران و آلمان از آغاز دوره پهلوی تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۳۰۴-۱۳۲۴ ش)»، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال ۱۷، شماره ۶۳، صص ۱۲۹-۱۵۲، ۱۳۹۷.
- رفیع‌پور، محمد، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ویراسته عبدالله شهبازی، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۶.
- روزنامه تجدد ایران، سال دوازدهم، شماره ۳۲۰۴؛ ۳۲۰۵؛ ۳۲۰۶؛ ۳۲۰۷؛ ۳۲۰۸؛ ۳۲۰۹؛ ۳۲۱۳؛ ۳۲۱۴؛ ۳۲۱۵؛ ۳۲۱۶؛ ۳۲۱۸.
- صدرهاشمی، محمد، تاریخ جرائد و مجلات ایرانی، ج ۱-۲، اصفهان: کمال، ۱۳۶۳.
- عباسی، محمدرضا و بهروز طبرانی، خاطرات نصرالله انتظام شهریور ۱۳۲۰ از دیدگاه دربار، تهران: دفتر انتشارات و پژوهش، ۱۳۷۱.
- علی صوفی، علیرضا و حبیب شرفی صفا، «مؤلفه‌های موثر بر سرشت و سرنوشت مطبوعات ایران در دوران جنگ جهانی دوم»، فصلنامه علوم خبری، سال ۱۴، شماره ۱، صص ۲۱-۳۹، ۱۴۰۴.
- فوران، جان، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۴۰۲.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، ۱۳۹۹.
- کاظمی، محمد و منوچهر البرز، تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی شاهنشاهی ایران، به اهتمام سرهنگ ستاد علی وزیری، تهران: نیروی زمینی شاهنشاهی، ۱۳۳۵.
- گلشاهیان، عباسقلی، یادداشت‌های شهریور ۱۳۲۰، مقدمه رامین کامران، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۹۳.
- گودرزی، حسین، بررسی تحلیلی نشر مطبوعات دینی در ایران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.
- محمدی، سید محمدحسین و زهرا اسکندری‌فرد، «وضعیت امنیت عمومی در سال‌های اشغال نظامی ایران توسط متفقین (۱۳۲۰-۱۳۲۴)»، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۲۴، ۱۳۹۶.
- مقصودی، مجتبی، تحولات سیاسی- اجتماعی ایران (۵۷-۱۳۲۰)، تهران: روزنه، ۱۴۰۰.
- مکی، حسین، تاریخ ۲۰ ساله ایران، ج ۷، تهران: علمی، ۱۳۶۳.
- هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۴۰۲.